

# تحلیل تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی مناطق مرزی و غیرمرزی ایران\*

ولی‌اله رستمعلی‌زاده<sup>۱</sup>، رضا نوبخت<sup>۲</sup>، سعیده شهبازین<sup>۳</sup>  
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴)

## چکیده

در این مطالعه با رجوع به ادبیات توسعه به بررسی تفاوت استان‌ها و شهرستان‌های مرزی و غیر مرزی در شاخص‌های جمعیتی- اجتماعی و اقتصادی پرداخته شده است. روش مطالعه تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از سرشماری و سالنامه‌های آماری سال ۱۳۹۵ است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد از نظر متغیرهای اقتصادی- اجتماعی، در هر دو سطح استانی و شهرستانی، تفاوت معنی‌دار و تایید شده‌ای بین مناطق مرزی و غیر مرزی وجود دارد. در هر دو سطح مطالعه، مناطق مرزی دارای نسبت باسودی و نسبت افراد دارای تحصیلات عالی کمتری از مناطق غیرمرزی هستند. در کنار این دو متغیر، درصد بیکاری به ویژه بیکاری جوانان نیز در مناطق مرزی بیشتر از غیرمرزی است. نتایج مطالعه همچنین نشان می‌دهد از لحاظ ویژگی‌های جمعیتی مانند نسبت شهرنشینی، میزان مهاجرت و میانگین سنی نیز تفاوت‌های آشکاری بین دو منطقه وجود دارد. کمبود فرصت‌های شغلی، ضعف و عدم دسترسی به امکانات آموزشی، تمرکز منابع و تسهیلات در مناطق مرکزی موجب جریان مهاجرت از سوی مناطق مرزی به سمت مناطق مرکزی شده است.

**واژه‌های کلیدی:** تفاوت‌های جمعیتی- اجتماعی، تفاوت‌های اقتصادی، مناطق مرزی، شهرستان‌های مرزی.

Doi: <https://doi.org/10.22034/JSS.2024.2028897.1840>

\* مقاله علمی- پژوهشی

<sup>۱</sup> دانشیار گروه مهاجرت و شهرنشینی، موسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

[v.rostamalizadeh@nipr.ac.ir](mailto:v.rostamalizadeh@nipr.ac.ir)

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

[rznoubakht1981@pnu.ac.ir](mailto:rznoubakht1981@pnu.ac.ir)

<sup>۳</sup> استادیار گروه مهاجرت و شهرنشینی، موسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران.

[saeedeshahbazin@psri.ac.ir](mailto:saeedeshahbazin@psri.ac.ir)

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، ص ۵۳-۷۸

## مقدمه و بیان مسئله

تفاوت‌های منطقه‌ای و بخصوص تفاوت میان مناطق مرزی و مرکزی در کشورهای در حال توسعه، موضوعی است که ذهن بسیاری از سیاست‌گذاران و پژوهشگران را به خود مشغول کرده است. در میان نگرانی فزاینده از افزایش نابرابری در کشورها، ابعاد فضایی/ جغرافیایی نابرابری، علاقه سیاستی<sup>۱</sup> قابل توجهی را به خود جلب کرده است. در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه و در حال گذار<sup>۲</sup>، این احساس وجود دارد که تفاوت‌های فضایی و منطقه‌ای در فعالیت‌های اقتصادی، درآمدها و شاخص‌های اجتماعی<sup>۳</sup> در حال افزایش است. همسویی تفاوت‌های فضایی و منطقه‌ای با تنش‌های سیاسی و قومی، ثبات اجتماعی و سیاسی جوامع را با تهدید مواجه نموده (کانبور و ونیبلز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵: ۱) و می‌تواند رقابت و تنش‌های منطقه‌ای و بدنبال آن مهاجرت و چالش‌های زیست محیطی و ... را به همراه داشته باشد.

از جمله مهمترین تفاوت‌های منطقه‌ای، تفاوت میان مناطق مرزی و مرکزی/ غیرمرزی کشورها است. این موضوع بخصوص در میان کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران که دارای مرزهای طولانی و تنوع جغرافیایی، اقلیمی و ساختار قومی و فرهنگی هستند، اهمیت زیادی دارد. مناطق مرزی به دلیل موقعیت جغرافیایی پیرامونی و حاشیه‌ای که دارند، جزء مناطق توسعه‌نیافته اقتصادی و اجتماعی کشورها به حساب می‌آیند (خملووا<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). این حاشیه‌ای بودن معلول شرایط جغرافیایی آنها بوده و بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آنها را مضمحل می‌سازد (ابراهیمی مستکانی و احمدوند، ۱۳۹۴: ۳۷۰-۳۷۱). دیدگاه‌های نظری مرکز- پیرامون بر وجود تفاوت بین مرزها بعنوان مناطق پیرامونی و مرکز و نیز تداوم این تفاوت‌ها با توجه به نابرابری‌های شکل گرفته، تاکید دارند. این پیرامونی شدن که از طریق قطبی شدن فضا و افزایش نابرابری حاصل می‌گردد خود را در چارچوب مفهوم هسته- پیرامون نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد این تمایزات و تفاوت مناطق در طی زمان ادامه می‌یابد. بطور کلی مناطق مرزی به دلیل قرار گرفتن در انزوای جغرافیایی و دور بودن از مناطق صنعتی- اقتصادی، جزء مناطق توسعه نیافته محسوب می‌شوند.

یکی از خصوصیات ساخت اقتصادی اجتماعی ایران، عدم تعادل میان استان‌ها و نواحی حاشیه‌ای با استان‌ها و نواحی توسعه یافته است (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۷) یعنی یک منطقه یا

<sup>1</sup> policy interest

<sup>2</sup> developing and transition economies

<sup>3</sup> social indicators

<sup>4</sup> Kanbur and Venables

<sup>5</sup> Khmeleva

چند منطقه کشور توسعه یافته بوده و بقیه مناطق کشور از مسئله توسعه نیافتگی رنج می‌برند و این تفاوت‌های مکانی و جغرافیایی در شاخص‌های مختلف توسعه خود را نشان می‌دهد. این تفاوت‌ها غالباً به صورت بین استانی (لطفی و همکاران، ۱۳۹۴؛ نظم‌فر و همکاران، ۱۳۹۷؛ فتح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۶؛ مصیب‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰)، در مواردی بین شهرستانی -در کل کشور- (شیخ‌بگلو و همکاران، ۱۳۹۱؛ رستمعلی‌زاده، ۱۳۹۷) و در کارهای معدودی، بین مناطق مرکزی و مرزی (پورطاهری و رومینا، ۱۴۰۰؛ مشفق و همکاران، ۱۳۹۴؛ ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اگرچه در مطالعات انجام شده، به تفاوت مناطق مرکزی و مرزی پرداخته شده است، با این حال در این مطالعات، به تفاوت میان استان‌ها و شهرستان‌های مرزی با استان‌ها و شهرستان‌های غیر مرزی به صورت مشخص و تفکیک شده توجه نشده است همچنین تفاوت‌های موجود میان مناطق مرزی در مطالعات مورد غفلت قرار گرفته است. بر این اساس، این مطالعه به دنبال پاسخگویی به این سوالات است که چه تفاوت‌هایی بین استان‌ها و همچنین شهرستان‌های مرزی و غیر مرزی کشور در شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی وجود دارد؟ و اینکه تفاوت‌های درون شهرستان‌های مرزی چگونه است؟

## مبانی نظری

مطالعات با محوریت مرزها و مناطق مرزی، رویکردهای علمی گوناگونی از جغرافیایی، تاریخی، و فرهنگی گرفته تا قومی، انسان‌شناسی، اجتماعی و اقتصادی را تحت پوشش قرار می‌دهند (میتریکا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). در ادبیات گسترده علوم اجتماعی در خصوص پراکندگی فضایی یا اجتماعی، مرزها معمولاً به عنوان خطوط مرزبندی فضایی<sup>۲</sup> بین مجموعه‌های ناهمگون از افراد، اشیاء یا ویژگی‌ها<sup>۳</sup> دیده می‌شوند. مرزها نتیجه تصمیمات انسانی - اغلب در یک افق زمانی طولانی - هستند که یا به طور صریح (مثلاً مرزهای سیاسی بین ملت‌ها) یا تکاملی (مثلاً تغییر در انسجام فرهنگی یا شباهت زبان) شکل می‌گیرند (نیجکامپ<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱: ۲۲۶). در حقیقت، مرز معمولاً به عنوان یک خط علامت‌گذاری شده جغرافیایی<sup>۵</sup> دیده می‌شود که دو قلمرو<sup>۶</sup> را تقسیم می‌کند که هر کدام

<sup>1</sup> Mitrica

<sup>2</sup> spatial demarcation lines

<sup>3</sup> heterogeneous sets of people, objects, or characteristics

<sup>4</sup> Nijkamp

<sup>5</sup> a geographical demarcation line

<sup>6</sup> territories

دارای درجه بالایی از حاکمیت و صلاحیت سیاسی هستند، در حالی که یک مرز معمولاً ترسیم کلی تر و انتزاعی تر از دو مجموعه مجزا<sup>۱</sup> (مثلاً گروه‌ها، فرهنگ‌ها، یا ایده‌ها) است. از نظر تاریخی، مرزها به وضوح هویت سرزمینی دولت-ملت‌ها را تعریف می‌کنند (نیجکامپ، ۲۰۲۱: ۲۲۶).

مناطق مرزی نیز با استفاده از رویکردها و معیارهای مختلفی شناسایی می‌شوند. این مفهوم بر یک "سیستم پیرامونی"<sup>۲</sup> دلالت دارد که در امتداد مرزها واقع شده‌اند و عامل کلیدی نزدیکی به مرز، به عنوان یک مانع بوده و می‌توان گفت که سکونتگاه‌های مرزی/مناطق مرزی، پیرامونی در بافت ملی یک کشور هستند (آندلکویچ-استولکویچ، ۲۰۱۸: ۳).

با توجه به نظریات رایج در مورد وجود «اثرات مرزی»<sup>۴</sup> بودن (مک کالوم<sup>۵</sup> ۱۹۹۵)، موقعیت جغرافیایی پیرامونی مناطق مرزی و در نتیجه عقب‌ماندگی آنها در توسعه اقتصادی-اجتماعی از بخش‌های «سرزمین اصلی»<sup>۶</sup> در اکثر کشورها وجود دارد (خملووا و همکاران، ۲۰۲۳). در ادبیات کشورهای در حال توسعه، نظر غالب این است که مناطق مرزی در دهه‌های گذشته از نظر اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی نزول کرده‌اند (آندلکویچ-استولکویچ، ۲۰۱۸: ۳).

پیرامونی شدن<sup>۷</sup> مناطق مرزی، از طریق قطبی شدن فضا به دلیل افزایش نابرابری‌ها در سطوح توسعه «هسته»<sup>۸</sup> و «پیرامون» مشاهده می‌شود. اکثر نویسندگان معتقدند که قطبی شدن، یعنی تشکیل یک هسته (مرکز) و پیرامون، نتیجه تمایز ساختاری و عملکردی فضا و محصول محرک‌های<sup>۹</sup> اقتصادی و اجتماعی است (آندلکویچ-استولکویچ، ۲۰۱۸: ۳).

تنوع در توسعه منطقه‌ای در هر کشور و هر منطقه‌ای از جهان وجود دارد و مدت‌ها است که توسط اقتصاددانان، بوم‌شناسان، جامعه‌شناسان و جغرافیدانان مورد مطالعه قرار گرفته است (پاولوویچ<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). توسعه سریع در کشورهای در حال توسعه و تمرکز روز افزون جمعیت و فعالیت در برخی از مناطق کشور، توازن و تعادل را برهم‌زده و باعث ایجاد دوگانگی در مناطق شده و این موضوع به عنوان یکی از مشخصه‌های اصلی کشورهای جهان سوم درآمده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۷). در حقیقت، غالباً در فرایند رشد سریع و نامتقارن در کنار مراکز

<sup>1</sup> disjoint sets

<sup>2</sup> peripheral system

<sup>3</sup> Anđelković-Stoilković

<sup>4</sup> border effects

<sup>5</sup> McCallum 1995

<sup>6</sup> mainland

<sup>7</sup> peripherality

<sup>8</sup> nucleus

<sup>9</sup> drivers

<sup>10</sup> Pawlewicz

معدودی که رشد را محقق می‌کنند، نواحی وسیعی به صورت توسعه نیافته باقی مانده و این مسئله خود می‌تواند زمینه‌ساز بروز دوگانگی اجتماعی و اقتصادی شود (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۰). بنابراین امروزه حجم فزاینده‌ای از ادبیات در مورد نابرابری و دوگانگی‌های منطقه‌ای در کشورهای در حال گذار و سوسیالیستی وجود دارد (یوان و وو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۱۴۹) و تفاوت‌های داخلی در توسعه، مشکل رایج در اقتصاد منطقه‌ای است (یوسوپوف<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹).

نابرابری‌های منطقه‌ای با انتخاب‌های سیاستی کلیدی (مانند سیاست تجاری) و الگوهای مخارج عمومی<sup>۳</sup> ارتباط نزدیکی دارد. اما در اغلب موارد مناطق عقب مانده<sup>۴</sup> نیز از تنگناهای زیرساختی، شرایط نامطلوب اقلیمی کشاورزی، رقابت وارداتی و قلمروی محدود برای فعالیت‌های غیرکشاورزی رنج می‌برند (گراب و گریم<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸: ۲). به دلیل اینکه همه بخش‌های یک کشور خصوصیات و ویژگی‌های مشابهی با در نظر گرفتن جهت گیری منابع<sup>۶</sup>، نیروی انسانی، اقتصاد، اجتماع و تاریخ سیاسی ندارند، تعاملات فضایی<sup>۷</sup> بین مناطق و مکان‌های جغرافیایی، نقش مهمی در تبیین عملکرد اقتصادی<sup>۸</sup> مناطق بازی می‌کند (گزچی و هوینگز<sup>۹</sup>، ۲۰۰۷: ۱-۲). خملووا و همکاران (۲۰۲۳) عنوان می‌کنند که تفاوت‌های منطقه‌ای بین مناطق داخلی و مرزی را می‌توان با تفاوت در منابع طبیعی، پتانسیل اقتصادی و صنعتی و همچنین با وجود مرزهای خارجی توضیح داد.

در چشم‌انداز نظری توسعه منطقه‌ای نیز که بر تفسیر پدیده عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی استوار است (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶۲)، در قالب چهار رویکرد اساسی تحت عنوان «رویکردهای سنتی مکان»، «رویکرد جریان»، «رویکرد همکاری‌های بین مرزی» و «رویکرد مردمی» به این موضوع پرداخته است.

رویکردهای مکان و جریان مسئله عدم توسعه نیافتگی مناطق مرزی را تفسیر می‌کنند (عندلیب؛ ۱۳۸۰، ۱۷) و دلیل عدم تعادل مناطق مرزی و مرکزی را وجود مرزهای بین کشورها و تخفیف فعالیت‌های اقتصادی، صنعتی، اجتماعی و فرهنگی در دو سوی مرز می‌بینند (ون هوتوم<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۰).

<sup>1</sup>Yuan, Y. & F. Wu

<sup>2</sup>Yusupov

<sup>3</sup>patterns of public spending

<sup>4</sup>lagging regions

<sup>5</sup>Grab and Grimm

<sup>6</sup>resource orientation

<sup>7</sup>spatial interaction

<sup>8</sup>economic performance

<sup>9</sup>Gezici and Hewings

<sup>10</sup>Van Houtum

در رویکرد مکان، نظریه‌های آمایش سرزمین قرار دارند و شامل نظریاتی چون مکان مرکزی، قطب رشد، مرکز رشد، مرکز- پیرامون و برگشت تمرکز هستند. رویکردهای همکاری‌های مرزی و رویکرد مردم برای توسعه مناطق مرزی برنامه و هدف دارند و راهکار آن را در توسعه مناسبات و همکاری‌های مرزی و تخفیف مرزها می‌بینند (نیبور و استیلر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۲-۳؛ ون هوتوم، ۲۰۰۰). در دو رویکرد اخیر بحث این است که مناطق مرزی می‌توانند با همکاری‌های مرزی، از حالت حاشیه‌ای خارج شده و به مرکز در یک رقابت فراملی در توسعه و صنعت تبدیل شوند.

مرور ادبیات نظری نشان می‌دهد که تفاوت‌های جغرافیایی و اجتماعی- اقتصادی بین مناطق مرزی و غیر مرزی کشورها، به چهار عامل مهم ارجاع داده می‌شود: توسعه اقتصادی، سیاست اجتماعی، سیاست منطقه‌ای (یوان و وو، ۲۰۱۳: ۱۵۲) و عامل جغرافیا (کانبور و ونیلز، ۲۰۰۵). این چهار عامل باعث می‌شوند تا مناطق مرزی کشورها متفاوت از مناطق داخلی آنها، مسیر رشد و توسعه را طی نمایند و بنابراین شاهد تفاوت در شاخص‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی در میان آنها باشیم. تمرکز منابع اقتصادی اجتماعی در مرکز، و فاصله و تشدید نابرابری با پیرامون مسائل و چالش‌های اجتماعی و جمعیتی را به همراه خواهد داشت. مهاجرت نیروی کار جوان از مناطق مرزی به مرکز، بدلیل نبود زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی که مورد تاکید اکثریت نظریه‌های مهاجرت نیز است و بدنبال آن خالی شدن این مناطق از جمعیت فعال زمینه را برای رشد و بازتوزیع نابرابری فراهم نموده و عدم ثبات و ناپایداری جمعیتی این مناطق را به همراه خواهد داشت. از این‌رو، آنچه نظریات حوزه توسعه و نیز مهاجرت بر آن تاکید دارند این است که عدم توجه به مناطق مرزی و حاشیه‌ای در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی سیاسی و منطقه‌ای، علاوه بر چالش‌های سیاسی و اجتماعی، چالش‌های جمعیتی مانند مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی نسل جوان را به همراه خواهد داشت.

### پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی در خصوص تفاوت‌های منطقه‌ای و عدم تعادل توسعه‌ای در میان مناطق یا استان‌های کشور صورت گرفته است. بخشی از این تحقیقات به مطالعه کل استان‌ها و یا شهرستان‌های ایران از منظر شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، توسعه‌ای و ... پرداخته و به وجود نابرابری یا تفاوت در میان استان‌ها و شهرستان‌ها اذعان کرده‌اند (مصیب زاده و همکاران، ۱۴۰۰؛ شیخ بگلو همکاران، ۱۳۹۱). بخشی از تحقیقات نیز به بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و

<sup>۱</sup> Niebuhr And Stiller

توسعه‌ای مناطق مرزی پرداخته و وضعیت توسعه در میان شهرستان‌ها و مناطق مرزی را بررسی کرده‌اند (رستمعلی زاده، ۱۳۹۷؛ رستمعلی زاده، ۱۳۹۸). تحقیقاتی نیز به بررسی تفاوت‌ها میان مناطق مرزی و غیرمرزی پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به کارهای زیر اشاره کرد. پورطاهری و رومینا (۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای با عنوان تحلیلی بر تفاوت‌های فضایی الگوی سکونت و فعالیت در مناطق مرزی و غیرمرزی ایران نشان می‌دهند که کانون‌های توسعه‌نیافتگی در دو سوی دالان مرکزی یعنی مناطق مرزی شرق، غرب و جنوب شرق کشور توزیع شده‌اند. آنها همچنین نشان می‌دهند که بر اساس شاخص‌های توسعه، ساختار فضایی سکونت و فعالیت نه تنها بین مناطق مرزی بلکه بین مناطق مرزی و غیرمرزی (داخلی) نیز از تفاوت‌های معناداری برخوردار بوده و از الگوی غیرمتوازن تبعیت می‌کنند. مشفق و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه مقایسه ویژگی‌های جمعیتی مناطق مرزی و غیرمرزی و تبعات امنیتی آن نشان می‌دهند که به‌طور کلی جمعیت در محیط ملی ایران، پیرامون گریز (مرزگریز) و تمرکزگراست. پیرامون‌گریزی جمعیت در ایران موجب شده است که تراکم نسبی جمعیت در برخی از مناطق مرزی به‌شدت کاهش یابد و این مناطق با مسأله کم‌جمعیتی مواجه شوند. کمی جمعیت در مناطق مرزی نه‌تنها امنیت مرزها را کاهش می‌دهد، بلکه قدرت بازدارندگی نظامی در برخی از مرزهای کشور را به‌شدت کاهش خواهد داد. ابراهیم زاده و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مطالعه تحلیلی فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران نشان می‌دهند که مناطق مرکزی در ایران حدود ۳ برابر توسعه یافته‌تر از مناطق مرزی هستند. یافته‌های آنها همچنین نشان می‌دهد نه تنها میان توسعه مناطق مرزی و مرکزی تفاوت و نابرابری وجود دارد، بلکه میان درون مناطق چه در مناطق مرزی و چه در مناطق مرکزی نیز تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد.

در تحقیقات خارجی نیز، هیپ<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه خود با عنوان همگرایی و تاب‌آوری در مناطق مرزی با استفاده از داده‌های سری زمانی مبتنی بر روند تولید ناخالص داخلی از زمان بحران مالی برای همه مناطق مرزی و غیرمرزی اروپا نشان می‌دهند که اولاً، مناطق مرزی مقاومت کمتری نسبت به مناطق غیرمرزی دارند، اما بازایی پذیری بالاتری از خود نشان می‌دهند. ثانیاً، روند همگرایی کلی در مناطق مرزی مثبت‌تر از مناطق غیرمرزی است. این یافته منعکس کننده یک فرآیند فراگیر به دلیل آزادسازی مرزها و سیاست انسجام است. ثالثاً، هر چه دولت ملی همگراتر باشند، مناطق مرزی آن انعطاف‌پذیرتر خواهند بود. در نهایت، این مطالعه نشان می‌دهد

<sup>۱</sup>. Hippe

که مناطق مرزی باید به‌عنوان واقعیت‌های سرزمینی با پتانسیل بالا و اغلب به‌عنوان یک نقطه قوت دیده شوند. اسوبودووا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۸) نیز در مطالعه خود با عنوان تفاوت‌های اقتصادی مناطق مرزی در جمهوری چک به این موضوع می‌پردازند که آیا مناطق مرزی در مقایسه با میانگین شاخص‌های انتخابی جمهوری چک از نظر اقتصادی ضعیف‌تر هستند؟ آنها دو فرضیه مطرح می‌کنند: آیا وضعیت مناطق مرزی با یکدیگر در میان مناطق مرزی متفاوت است و آیا اقتصاد کشور همسایه بر این نابرابری‌ها در مناطق مرزی تأثیر می‌گذارد یا خیر. آنها برای تحلیل خود از سه مؤلفه بازار کار، مسافران فراملی و مهاجرت جمعیت استفاده می‌کنند. از این سه مؤلفه برای تجزیه و تحلیل خوشه‌ای استفاده شد و قلمروها به چهار خوشه تقسیم شدند که هیچ‌کدام از آنها بالاتر از میانگین کشوری نبوده و در نتیجه وضعیت منطقه مرزی به کشور همسایه وابسته است.

پروکولا<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) در مطالعه خود با عنوان تاب‌آوری مرزی-منطقه‌ای در مناطق مرزی داخل و خارج اتحادیه اروپا در فنلاند نشان می‌دهند که محیط ژئوپلیتیکی و باز بودن مرز تا حدی مسیرهای توسعه منطقه‌ای و راه‌های مقابله با تغییرات مربوط به تحرک فرامرزی را تعیین می‌کند. اگرچه موقعیت مرزی مستلزم برخی آسیب‌پذیری‌ها است، اما نهادهای رسمی و غیررسمی فرامرزی و روابط اعتماد از منظر تاب‌آوری مرزی-منطقه‌ای اهمیت حیاتی دارند. آندلکوویچ-استولکوویچ و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه مناطق مرزی صربستان عنوان می‌کنند که این مناطق با مشکلات متعددی که از موقعیت پیرامونی آنها ناشی می‌شود روبرو هستند. مناطق مرزی صربستان بیشتر شامل مناطقی توسعه نیافته، با ویژگی‌های جمعیتی نامطلوب، محرومیت و مهاجرت به بیرون و پیرشدن جمعیت هستند. میتریکا و همکاران (۲۰۱۷) نیز در بررسی نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی در توسعه مناطق مرزی رومانی، نشان می‌دهند که مناطق مرزی رومانی دارای نابرابری‌های پیچیده اجتماعی و اقتصادی هستند که ریشه در پیشینه تاریخی این کشور دارد.

جمع‌بندی پیشینه‌ها بخصوص پیشینه‌های داخلی نشان می‌دهد که مطالعه تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی و توسعه‌ای در میان مناطق مرزی و غیرمرزی و بطورکلی استان‌ها و شهرستان‌های ایران صورت گرفته است اما نکته متفاوت و جدید این کار جداسازی شهرستان‌ها و استان‌های مرزی از غیر مرزی در مطالعه و همچنین تأکید بر سطح شهرستانی است. این نوآوری در مقایسه با کارهای خارجی هم دیده می‌شود.

1. Svobodová

2. Prokkola

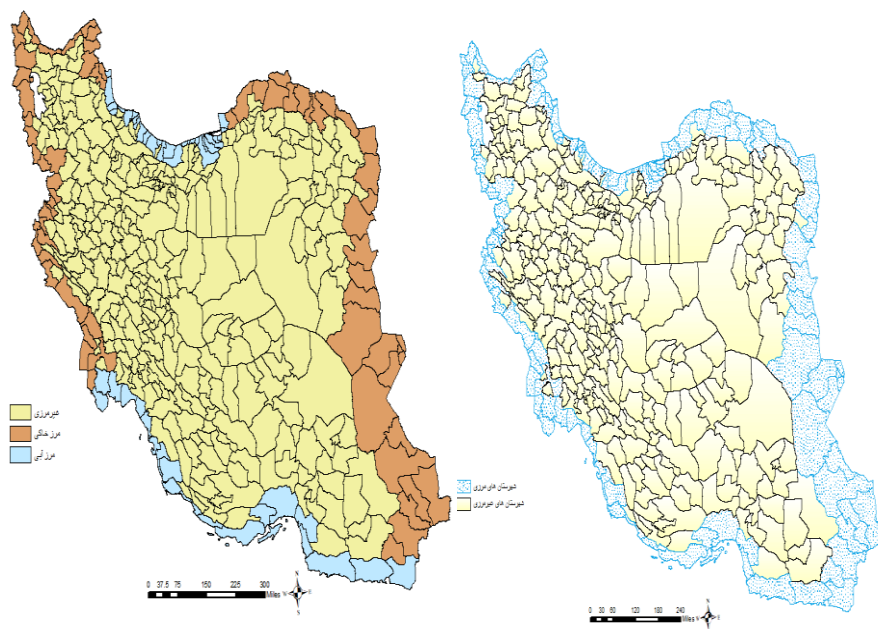
## روش پژوهش

روش مطالعه حاضر، روش اسنادی و بر پایه تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران سال ۱۳۹۵، سالنامه‌های آماری مربوط به سال ۱۳۹۵ و سایر یافته‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت ارقام نسبی و شاخص‌سازی است که قابلیت مقایسه داشته باشد و در سطح شهرستان‌های کل کشور انجام شده است.

بر اساس تقسیم بندی سیاسی کشور در سال ۱۳۹۵، ۴۲۹ شهرستان و ۳۱ استان در کشور وجود دارد که از این میان ۱۶ استان (۵۱/۶ درصد) و ۱۱۸ شهرستان (۲۷ درصد) در موقعیت مرزی اعم از مرز آبی و خاکی قرار دارند (جدول ۱). نقشه پراکندگی شهرستان‌های مرزی نشان می‌دهد که حدود ۴۰/۷ درصد از شهرستان‌های مرزی در قسمت شمال و شمال غرب، ۱۸/۶ درصد در جنوب و جنوب غرب، ۱۳/۶ درصد در شرق و شمال شرقی کشور و ۲۷/۱ درصد در نواحی غربی و جنوب شرقی کشور واقع شده‌اند. همچنین بر اساس بررسی داده‌های توزیع فضایی از بین ۱۱۸ شهرستان مرزی کشور، ۶۱ درصد (۷۲ شهرستان) دارای مرز خاکی و ۳۹ درصد (۴۶ شهرستان) دارای مرز آبی هستند (شکل ۱).

جدول ۱: استان مرزی کشور بر اساس تقسیم‌بندی سیاسی سال ۱۳۹۵

ردیف	استان	ردیف	استان	ردیف	استان	ردیف	استان
۱	آذربایجان غربی	۵	ایلام	۹	مازندران	۱۳	خراسان جنوبی
۲	آذربایجان شرقی	۶	خوزستان	۱۰	گیلان	۱۴	هرمزگان
۳	کردستان	۷	سیستان و بلوچستان	۱۱	اردبیل	۱۵	بوشهر
۴	کرمانشاه	۸	خراسان رضوی	۱۲	خراسان شمالی	۱۶	گلستان



شکل ۱: توزیع جغرافیایی شهرستان‌های مرزی کشور بر حسب موقعیت جغرافیایی و نوع مرز

به منظور ارزیابی وضعیت تفاوت‌های جمعیتی- اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگران زیادی مدل مفهومی یا سیستم گویه‌ای/ شاخصی، را از چشم‌اندازهای مختلف، توسعه داده‌اند (ژانگ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). در این مطالعه، از رویکرد گویه‌ای استفاده خواهد شد و گویه‌های مختلف سنجش تفاوت‌های جمعیتی- اجتماعی و اقتصادی، از مبانی نظری و مطالعات مختلف، اقتباس شد. بنابراین با عنایت به مطالعات و ادبیات نظری مرور شده، برای سنجش تفاوت‌های مرزی و غیر مرزی از شاخص‌های مختلف و در ابعاد جمعیتی- اجتماعی و اقتصادی استفاده شد (ن. ک به جدول ۲). در انتخاب شاخص‌ها به این نکته توجه شده است که شاخص‌ها تنها برای بیان آماری یک پدیده نباشند، بلکه باید تحت تئوری و منطق خاصی که در راستای اهداف مطالعه است، انتخاب شوند.

<sup>۱</sup> Zhang

جدول ۲: شاخص‌های جمعیتی- اجتماعی و اقتصادی؛ ۱۳۹۵

شاخص
نسبت باسوادی
تحصیلات عالی
درصد بیکاری
درصد بیکاری افراد ۱۵ تا ۳۵ ساله
نسبت شهرنشینی
میانگین سنی
میزان خالص مهاجرت
سرانه کلاس درس
سرانه آموزشگاه

پس از ساخت شاخص‌های برآمده از گویه‌ها، بر حسب هدف تحقیق آن شاخص‌ها در سطوح مکانی مختلف مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفتند. سطوح مکانی مورد بررسی در اینجا بر اساس عامل مهم "مرز" طبقه بندی شده‌اند. لذا مناطق جغرافیایی کشور بر اساس این معیار به دو دسته مرزی و غیر مرزی تقسیم بندی شده‌اند. در سطح اول شاخص‌های به دست آمده در سطح استانی مورد مقایسه قرار گرفتند. نظر به تفاوت شهرستان‌های استانی و نیز این مهم که همه شهرستان‌های استان‌های مرزی، دارای مرز سیاسی نیستند، در سطح دوم تلاش شد که سطح تحلیل به شهرستان‌های مرزی و غیرمرزی ارتقا پیدا کند. از سویی با توجه به گستردگی کشور و دارا بودن مرزهای آبی و خاکی و تفاوتی که این عامل در شرایط اقتصادی و اجتماعی مناطق به وجود می آورد، در سطح سوم تلاش شد که شهرستان‌های مرزی با توجه به نوع مرز آن‌ها یعنی مرز آبی یا خاکی مورد مقایسه قرار گیرند تا تاثیر این عامل نیز مورد بررسی قرار گیرد. در هر سطح با توجه به مقیاس متغیرهای مستقل از آماره‌های متناسب مانند  $t$  مستقل، تحلیل واریانس بهره گرفته شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss26 انجام شده است.

### یافته‌های پژوهش

تفاوت‌های مکانی عوامل اجتماعی و اقتصادی در مناطق مرزی و غیر مرزی در بخش یافته‌های این مطالعه تلاش شده است که تفاوت‌های جمعیتی- اجتماعی و اقتصادی در مناطق مرزی و غیر مرزی با تاکید بر سه سطح استان‌های مرزی/غیر مرزی، شهرستان‌های مرزی/غیرمرزی و در نهایت تفاوت آنها بین شهرستان‌های مرزی دارای مرز آبی و خاکی مورد بررسی

قرار گیرد. در هر سه سطح برای نشان دادن میزان و درجه این تفاوت‌ها از آزمون‌های آماری و در نهایت از معنی‌داری تفاوت‌های مکانی این شاخص‌ها بهره گرفته شود.

### استان‌های مرزی / غیر مرزی

در نخستین سطح از بررسی تفاوت‌های جمعیتی-اجتماعی و اقتصادی در مناطق مرزی و غیرمرزی، استان‌های کشور بر اساس موقعیت مرزی و غیر مرزی مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. نتایج به دست آمده از این بررسی در جدول ۳ نشان می‌دهد که نسبت افراد باسواد (میانگین ۸۵/۴ درصد)، تحصیلات عالی (میانگین ۱۸/۸ درصد)، نسبت شهرنشینی (میانگین ۶۶/۱ درصد) و میانگین سنی (۳۲/۴ سال) در استان‌های غیرمرزی بیشتر از استان‌های مرزی است و به عکس این شاخص‌ها، درصد بیکاری با میانگین ۱۳/۴ درصد، درصد بیکاری افراد ۱۵-۳۵ ساله (با میانگین ۲۳/۵ درصد) و میزان مهاجرت (با میانگین -۰/۶) در استان‌های مرزی بیشتر از استان‌های غیر مرزی است.

جدول ۳: میانگین شاخص‌های جمعیتی-اجتماعی و اقتصادی بر حسب استان‌های

#### مرزی/غیرمرزی

نام شاخص	استان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
نسبت باسوادی	استان‌های غیرمرزی	۱۵	۸۹/۵	۰/۰۰۰۷
	استان‌های مرزی	۱۶	۸۵/۴	۰/۰۰۰۹
تحصیلات عالی	استان‌های غیرمرزی	۱۵	۲۳/۴	۰/۰۰۱۲
	استان‌های مرزی	۱۶	۱۸/۸	۰/۰۰۰۹
درصد بیکاری	استان‌های غیرمرزی	۱۵	۱۱/۷	۰/۰۰۰۴
	استان‌های مرزی	۱۶	۱۳/۴	۰/۰۰۰۶
درصد بیکاری افراد ۱۵ تا ۳۵ ساله	استان‌های غیرمرزی	۱۵	۲۰/۷	۰/۰۰۰۷
	استان‌های مرزی	۱۶	۲۳/۵	۰/۰۰۰۱
نسبت شهرنشینی	استان‌های غیرمرزی	۱۵	۸۱/۳	۰/۰۰۳۲
	استان‌های مرزی	۱۶	۶۶/۱	۰/۰۰۳۳
میانگین سنی	استان‌های غیرمرزی	۱۵	۳۲/۴	۰/۰۰۰۳
	استان‌های مرزی	۱۶	۳۰/۸	۰/۰۰۰۵
میزان خالص مهاجرت	استان‌های غیرمرزی	۱۵	۰/۴	۰/۰۰۰۵
	استان‌های مرزی	۱۶	-۰/۶	۰/۰۰۰۵

بررسی آماره T و سطح معنی‌داری تفاوت‌های به دست آمده، نتایج جالب توجهی را به دست داد. بر اساس این آماره همه روابط و تفاوت‌های به دست آمده بین دو گروه استان‌های مرزی و غیرمرزی

تایید شده است (ن. ک به جدول ۴). بر این اساس تفاوت بین نسبت باسوادی و تحصیلات عالی با فرض عدم برابری واریانس‌های دو گروه، با آماره  $t$  به ترتیب برابر با ۳۴۸۵ و ۲۹۴۷ و در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۰۱ تایید می‌شود لذا می‌توان اظهار داشت که بیشترین نسبت سطح سواد در استان - های مرکزی است و استان‌های مرزی دارای نسبت باسوادی کمتری هستند. کمترین نسبت افراد باسواد در استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی، اردبیل و همدان بوده در حالیکه بیشترین درصد این شاخص در استان‌های قم، تهران، سمنان و البرز به دست آمده است. یکی از علل این مهم می‌تواند تفاوت در دسترسی به امکانات آموزشی، کمبود مدارس و آموزشگاه‌ها به ویژه در مناطق روستایی استان‌های مرزی باشد. همچنین نتایج شاخص میزان مهاجرت نیز نشانگر وجود تفاوت‌هایی بین مناطق مرزی و غیرمرزی بود. در شاخص میزان مهاجرت، علاوه بر بالاتر بودن این شاخص در استان‌های مرزی، میزان مهاجرت در استان‌های مرزی منفی به دست آمد. مجموعه‌ای از عوامل جمعیتی - اجتماعی و اقتصادی که مهمترین آن‌ها اشتغال و فرصت‌های شغلی است موجب شده است که جمعیت مناطق مرزی به امید به دست آوردن سطح زندگی بالاتر به مناطق مرکزی مهاجرت کنند. استان‌های خوزستان، ایلام، اردبیل، کهگیلویه و بویراحمد دارای بالاترین خالص مهاجرت منفی هستند که طی دوره ۵ ساله بیشترین نسبت جمعیتی را از دست داده‌اند در مقابل استان‌های تهران، البرز، یزد، مرکزی دارای بالاترین خالص مهاجرتی مثبت هستند که نشان‌دهنده بالاترین جذب جمعیتی طی ۵ سال است.

بررسی فرضیه تفاوت درصد بیکاری در استان‌های مرزی و غیرمرزی نیز نشان داد که فرضیه بیشتر بودن میانگین این سه شاخص در استان‌های مرزی، با فرض عدم برابری واریانس‌ها و بر اساس آماره  $t$  به دست آمده در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۰۱ درصد تایید می‌شود. تجمع امکانات و خدمات، فعالیت‌های اقتصادی و فرصت‌های شغلی در مناطق مرکزی از مهمترین علل این تفاوت در سطح کشور است. استان‌های تهران، سمنان، قم و مرکزی دارای پایین‌ترین درصد بیکاری و در مقابل استان‌های کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، خوزستان و کردستان دارای بالاترین درصد بیکاری در کشور هستند. بررسی دو شاخص دیگر یعنی نسبت شهرنشینی و نیز میانگین سنی نیز حکایت از تایید فرضیه بالاتر بودن میزان آنها در استان‌های مرزی دارد. بر این اساس میانگین نسبت شهرنشینی با ۸۱/۳۵ درصد و میانگین سنی با ۳۲/۴۳ سال در استان‌های غیرمرزی بالاتر از استان‌های مرزی است و این رابطه با فرض عدم برابری واریانس دو گروه و در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۰۱ درصد، تایید می‌شود. بخش مهمی از این نابرابری در تجمع‌های

شهری، نابرابری‌هایی است که تا حد زیادی به طور جبری در بنیاد زیستی کشور وجود دارد. بیشترین میزان شهرنشینی در کشور در استان‌های تهران، قم و اصفهان است که میزان شهرنشینی آنها بالاتر از میانگین کشوری است و در استان قم حدود ۹۵ درصد به دست آمده است در حالیکه این شاخص در استان سیستان و بلوچستان حدود ۳۰ درصد است.

جدول ۴: آزمون t مستقل در تفاوت میانگین متغیرهای مورد مطالعه بر حسب استان‌های

مرزی/غیرمرزی

نام شاخص	فرض	F	سطح معناداری	t	سطح معناداری
نسبت باسواد	با فرض برابری واریانس‌ها	۸۳۳۲۳۸/۹	۰/۰۰۰	۳۵۰۶/۴	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			۳۴۸۵/۴	
تحصیلات عالی	با فرض برابری واریانس‌ها	۴۹۴۹۳۷۶/۲	۰/۰۰۰	۲۹۲۱/۳	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			۲۹۴۷/۵	
درصد بیکاری	با فرض برابری واریانس‌ها	۲۱۴۵۶۳۱/۸	۰/۰۰۰	-۲۱۰۶/۲	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			-۲۰۸۲/۴	
درصد بیکاری افراد ۱۵ تا ۳۵ ساله	با فرض برابری واریانس‌ها	۲۸۳۷۰۱۱/۹	۰/۰۰۰	-۲۰۶۱/۷	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			-۲۰۴۱/۷	
نسبت شهرنشینی	با فرض برابری واریانس‌ها	۲۰۱۳۹/۹	۰/۰۰۰	۳۲۸۸	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			۳۲۸۸/۴	
میانگین سنی	با فرض برابری واریانس‌ها	۶۳۰۴۶۱	۰/۰۰۰	۲۶۰۱/۲	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			۲۵۸۲/۸	
میزان خالص مهاجرت	با فرض برابری واریانس‌ها	۷۸۳۵۳۹	۰/۰۰۰	۱۳۳۰/۶	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			۱۳۳۲/۸	

### شهرستان‌های مرزی / غیر مرزی

با توجه به اینکه در سطح استان، شهرستان‌های غیرمرزی وجود دارد که در استان مرزی واقع شده است لذا برای بررسی بهتر تاثیر مرز بر این تفاوت‌ها، در سطح دوم این بررسی، مناطق مرزی و غیر مرزی با تاکید بر سطح شهرستانی مورد بررسی قرار گرفته است. همانطور که در جدول ۵ نشان داده شده است به مانند سطح استانی، نسبت افراد باسواد و افراد دارای تحصیلات عالی در شهرستان‌های مرزی دارای میانگین پایین‌تری در مقایسه با شهرستان‌های غیر مرزی است و درصد بیکاری و به ویژه بیکاری افراد ۱۵-۳۵ ساله نیز در شهرستان‌های غیرمرزی کمتر از شهرستان‌های مرزی است.

جدول ۵: میانگین شاخص‌های جمعیتی- اجتماعی و اقتصادی بر حسب شهرستان‌های مرزی/غیرمرزی

نام شاخص	شهرستان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
نسبت باسواد	شهرستان‌های مرزی	۱۱۸	۸۵	۰/۰۰۱
	شهرستان‌های غیرمرزی	۳۱۱	۸۸/۲	۰/۰۰۶
نسبت تحصیلات عالی	شهرستان‌های مرزی	۱۱۸	۱۸/۶	۰/۰۰۱۵
	شهرستان‌های غیرمرزی	۳۱۱	۲۲	۰/۰۰۰۹
درصد بیکاری	شهرستان‌های مرزی	۱۱۸	۱۳	۰/۰۰۰۸
	شهرستان‌های غیرمرزی	۳۱۱	۱۲/۴	۰/۰۰۰۴
درصد بیکاری افراد ۱۵ تا ۳۵ ساله	شهرستان‌های مرزی	۱۱۸	۲۲/۸	۰/۰۰۱۴
	شهرستان‌های غیرمرزی	۳۱۱	۲۱/۸	۰/۰۰۰۷
نسبت شهرنشینی	شهرستان‌های مرزی	۱۱۸	۶۳/۵	۰/۰۰۴۹
	شهرستان‌های غیرمرزی	۳۱۱	۷۷/۱	۰/۰۰۲۷
میانگین سنی	شهرستان‌های مرزی	۱۱۸	۳۰	۰/۰۰۰۸
	شهرستان‌های غیرمرزی	۳۱۱	۳۱/۲	۰/۰۰۰۳
میزان خالص مهاجرت	شهرستان‌های مرزی	۱۱۸	-۰/۳	۰/۰۰۰۵
	شهرستان‌های غیرمرزی	۳۱۱	۰/۰۱	۰/۰۰۰۴

بر اساس آماره t مستقل، تفاوت‌های موجود مورد آزمون معنی‌داری قرار گرفتند. براساس نتایج به دست آمده در جدول ۶، متغیرهای مورد مطالعه از نظر آماری و در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۰۱ درصد، تایید شده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت که میانگین نسبت باسوادی در شهرستان‌های

مرزی (۸۵ درصد) به صورت معنی داری کمتر از میانگین آن در مناطق غیرمرزی (۸۸/۲ درصد) است و این رابطه با فرض عدم برابری واریانس دو گروه با میزان  $t$  برابر با  $۲۰۰۰/۱$  - در سطح معنی داری کمتر از  $۰/۰۰۱$  تایید می‌شود. شهرستان‌های تهران، پردیس، کرج، فدیسه و سمنان دارای بالاترین نسبت باسوادی در کشور هستند (بیش از ۹۳ درصد) و شهرستان‌های سرباز، فصرقند، فنوج و نیک شهر دارای پایین‌ترین سطح یاسوادی هستند. میزان تحصیلات عالی نیز با توجه به معنی دار بودن آماره  $F$ ، با فرض عدم برابری واریانس‌ها، نشان دهنده پایین‌تر بودن نسبت این شاخص در شهرستان‌های مرزی (۱۸/۵ درصد) در مقابل شهرستان‌های غیرمرزی (۲۲) است. شهرستان‌های زاوه، فیروزه، هیرمند، سرباز دارای پایین‌ترین سطح از تحصیلات عالی و شهرستان‌های سمنان، تهران و شهرستان‌های املش، طالقان، لاهیجان و تفرش دارای بالاترین سطح این شاخص هستند. بر همین اساس میانگین سنی نیز با فرض عدم برابری واریانس‌ها و با توجه به مقدار آماره  $F$ ، در مناطق مرزی کمتر از مناطق غیر مرزی است. میانگین سنی در شهرستان‌های مرزی برابر با ۳۰ سال و در مناطق غیرمرزی برابر با ۳۲/۱ سال است. همچنین با توجه به سطح معناداری به دست آمده در هر دو متغیر، تفاوت در تحصیلات عالی (با میزان  $t$  برابر با ۱۸۶۵-) و میانگین سنی (با  $t$  برابر با ۲۲۳۸/۶-) (در سطح معنی داری کمتر از  $۰/۰۰۱$  تایید می‌شود. شهرستان‌های مهرستان، میرجاوه، سرباز، میرجاوه و چابهار دارای پایین‌ترین میانگین سنی در کشور هستند در حالیکه شهرستان‌های سمنان، تهران و شهرستان‌های املش، طالقان و لاهیجان دارای بالاترین میانگین سنی هستند. همانطور که مشاهده می‌شود در هر دو شاخص شهرستان‌های مرزی دارای پایین‌ترین سطح و شهرستان‌های مرکزی بالاترین سطح را دارا هستند. جدول ۶ تفاوت‌های متغیرهای مورد مطالعه در شهرستان‌های مرزی و غیرمرزی را نشان می‌دهد.

جدول ۶: آزمون t مستقل در تفاوت میانگین متغیرهای مورد مطالعه بر حسب شهرستان‌های

مرزی/غیرمرزی

نام شاخص	فرض	F	سطح معناداری	t	سطح معناداری
نسبت باسواد	با فرض برابری واریانس‌ها	۵۲۱۷۴۷/۸	۰/۰۰۰	-۲۲۲۳/۷	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			-۲۰۰۰/۱	
نسبت تحصیلات عالی	با فرض برابری واریانس‌ها	۳۸۶۲۵۹/۳	۰/۰۰۰	-۱۷۴۵	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			-۱۸۶۵	
درصد بیکاری	با فرض برابری واریانس‌ها	۲۰۵۷۷/۱	۰/۰۰۰	۷۱۲/۹	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			۷۱۰/۳	
درصد بیکاری افراد ۱۵ تا ۳۵ ساله	با فرض برابری واریانس‌ها	۱۷۹۹۷/۴	۰/۰۰۰	۵۹۸/۱	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			۶۱۰	
نسبت شهرنشینی	با فرض برابری واریانس‌ها	۲۲۷/۶	۰/۰۰۰	-۲۴۱۲	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			-۲۴۱۸/۶	
میانگین سنی	با فرض برابری واریانس‌ها	۴۲۲۸۳۱۸/۴	۰/۰۰۰	-۲۷۷۷/۷	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			-۲۲۳۸/۶	
میزان خالص مهاجرت	با فرض برابری واریانس‌ها	۵۱۳۶۳۱/۵	۰/۰۰۰	-۴۱۵/۹	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها			-۵۲۳/۱	

درصد بیکاری، مهمترین متغیر اقتصادی، نیز از دیگر شاخص‌های مورد مطالعه است که بر اساس نتایج، تفاوت معنی داری آن در دو قسمت درصد بیکاری و درصد بیکاری افراد ۱۵-۳۵ ساله، در بین شهرستان‌های مرزی و غیرمرزی مشاهده می‌شود بر این اساس میانگین درصد بیکاری (۱۳ درصد) و درصد بیکاری افراد ۱۵-۳۵ ساله (۲۲/۸ درصد) در شهرستان‌های مرزی بالاتر از میانگین این شاخص‌ها در شهرستان‌های مرزی (به ترتیب ۱۲/۳ و ۲۱/۸ درصد) حاصل شده است که با توجه به معنی دار بودن آماره F، با فرض عدم برابری واریانس دو گروه، با میزان t برابر با ۶۱۰ و ۷۱۰ و در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۰۱ درصد، تایید شده است. اسلام‌آباد غرب، ثلاث باباجانی، جوانرود بالاترین درصد بیکاری و بیکاری افراد ۱۵-۳۵ ساله را دارا هستند درحالی‌که به استثنا شهرستان ابوموسی، شهرستان‌های غیرمرزی ایجرود، نیر و خوسف دارای پایین‌ترین سطح از درصد بیکاری در کشور هستند.

در کنار عوامل فوق دو شاخص نسبت شهرنشینی و میزان خالص مهاجرت نیز مورد مقایسه قرار گرفت. نسبت شهرنشینی با میانگین ۶۳/۵ درصد در شهرستان‌های مرزی کمتر از سطح این شاخص در شهرستان‌های غیرمرزی (۷۷/۱ درصد) قرار گرفته است که با فرض عدم برابری واریانس دو گروه در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۰۱، معنی دار بودن این تفاوت تایید شده است. خداآفرین، نیمروز و بشاگرد شهرستان‌هایی هستند که پایین‌ترین نسبت شهرنشینی را دارند و بیش از ۸۰ درصد جمعیت آنها روستائین هستند. هر سه این شهرستان‌ها مناطق مرزی کشور هستند درحالی‌که بیشترین نسبت شهرنشینی با بیش از ۹۵ درصد در شهرستان‌های مرکزی تهران، خمینی شهر و کرج به دست آمده است. میزان خالص مهاجرت نشان می‌دهد که میانگین این شاخص (۰/۳۷- درصد) در شهرستان‌های مرزی کمتر از میزان متناظر آن در شهرستان‌های غیرمرزی (۰/۱۴۹ درصد) است، که با توجه به میزان آماره t و سطح معنی داری به دست آمده (سطح معناداری = ۰/۰۰۰) این رابطه و تفاوت نیز تایید می‌شود. بیش از نیمی از شهرستان‌های مرزی کشور دارای میزان خالص مهاجرتی منفی هستند. درصد بیکاری بالا و دسترسی پایین‌تر به امکانات و خدمات از مهمترین علت مهاجرت جمعیت مناطق مرزی به سمت مرکزی است.

### شهرستان‌های مرزی بر حسب مرز خاکی و آبی

شهرستان‌های مرزی کشور ایران بر حسب نوع مرز، به دو دسته مرز آبی و مرز خاکی تقسیم می‌شوند. این نوع مرزبندی بر حسب شهرستانی بیشتر از استانی قابلیت بررسی دارد چرا که برخی از استان‌های کشور دارای هم مرز آبی هستند و هم خاکی، لذا در این قسمت از مطالعه مناطق

مرزی بر حسب نوع مرز صرفاً در سطح شهرستانی مورد بررسی قرار گرفته است و با توجه به سطح دسترسی به اطلاعات بیشتر برای مناطق مرزی، در اینجا متغیرهای آموزش سرانه کلاس و مدرسه نیز به سایر متغیرها اضافه شده است.

بر اساس جدول ۷، میانگین نسبت باسوادی (۸۳/۹ درصد) و نسبت افراد دارای تحصیلات عالی (۱۷/۹ درصد) در شهرستان‌های دارای مرز خاکی کمتر از شهرستان‌های دارای مرز آبی است. در همین راستا بررسی دو شاخص سرانه کلاس و آموزشگاه در این دو منطقه نشان داد که سرانه کلاس با متوسط ۴۵/۲ نفر و سرانه آموزشگاه با متوسط ۸/۲ نفر، در مناطق دارای مرز خاکی بیشتر از مناطق مرز آبی است. بررسی سایر متغیرها نیز نشان داد که متوسط درصد بیکاری و بیکاری افراد ۱۵-۳۵ ساله به ترتیب با ۱۳/۶ و ۲۳/۳ درصد، در شهرستان‌های دارای مرز خاکی بیشتر است همچنین این مناطق با دارا بودن میزان مهاجرتی برابر با ۰/۸- دارای خالص مهاجرت بیشتری هستند و مهمتر از همه اینکه میزان خالص مهاجرت مناطق مرز خاکی منفی بوده در حالیکه میزان مهاجرت مناطق مرز آبی مثبت است. برخلاف دو متغیر دیگر، وضعیت شهرنشینی در مناطق مرز خاکی بهتر از مناطق مرز آبی است به طوری که در مقابل ۶۴/۵ درصد شهرنشینی در مناطق مرز خاکی، ۶۱/۴ درصد شهرنشینی در مناطق مرز آبی وجود دارد. شاخص میانگین سنی نیز نشان داد که ساختار سنی مناطق مرز خاکی (۲۹/۸ سال) در مقایسه با مناطق مرز آبی (۳۰/۵ سال) جوان‌تر است.

جدول ۷: میانگین شاخص‌های جمعیتی - اجتماعی و اقتصادی بر حسب مناطق مرزی آبی/خاکی

نام شاخص	شهرستان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
نسبت باسوادی	مرز خاکی	۷۲	۸۳/۹	۰/۰۰۱
	مرز آبی	۴۶	۸۷/۲	۰/۰۰۲
تحصیلات عالی	مرز خاکی	۷۲	۱۷/۹	۰/۰۰۱
	مرز آبی	۴۶	۱۹/۸	۰/۰۰۲
درصد بیکاری	مرز خاکی	۷۲	۱۳/۵	۰/۰۰۱
	مرز آبی	۴۶	۱۲/۱	۰/۰۰۱
درصد بیکاری افراد ۱۵ تا ۳۵ ساله	مرز خاکی	۷۲	۲۳/۴	۰/۰۰۱
	مرز آبی	۴۶	۲۱/۷	۰/۰۰۲
نسبت شهرنشینی	مرز خاکی	۷۲	۶۴/۵	۰/۰۰۶
	مرز آبی	۴۶	۶۱/۴	۰/۰۰۷
میانگین سنی	مرز خاکی	۷۲	۲۹/۸	۰/۰۰۱

نام شاخص	شهرستان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
میزان خالص مهاجرت	مرز آبی	۴۶	۳۰/۵	۰/۰۰۱
	مرز خاکی	۷۲	-۰/۸	۰/۰۰۰۶
	مرز آبی	۴۶	۰/۶	۰/۰۰۱
سرانه کلاس	مرز خاکی	۷۲	۴۵/۲	۰/۰۰۲
	مرز آبی	۴۶	۴۴/۹	۰/۰۰۱
سرانه آموزشگاه	مرز خاکی	۷۲	۹/۲	۰/۰۰۱
	مرز آبی	۴۶	۸/۱	۰/۰۰۰۹

بررسی آماره  $t$  مستقل در جهت آزمون فرضیه‌های تفاوت میانگین نشان می‌دهد که فرض تفاوت میانگین متغیرهای مورد بررسی دو منطقه دارای مرز آبی و خاکی تایید می‌شود (ن. ک به جدول ۸). بر این اساس فرضیه بالاتر بودن نسبت باسوادی و تحصیلات عالی در مناطق مرزی آبی با توجه به میزان  $F$  و فرض عدم برابری واریانس دو گروه، یا میزان  $t$  برابر با  $-۱۰۹۱$  و  $-۵۸۸$  و در سطح معنی داری کمتر از  $۰/۰۰۱$  درصد تایید می‌شود. در این راستا همچنین فرضیه بیشتر بودن میانگین سرانه کلاس و آموزشگاه در مناطق مرز خاکی نیز با  $t$  برابر با  $۱۰۸$  و  $۷۰۱$ ، در سطح معنی داری کمتر از  $۰/۰۰۱$  مورد تایید قرار می‌گیرد. در سایر متغیرها فرض بالاتر بودن نسبت شهرنشینی، خالص مهاجرت، درصد بیکاری و نیز بیکاری افراد  $۱۵-۳۵$  سال در مناطق مرز خاکی در مقایسه با مرز آبی در سطح معنی داری کمتر از  $۰/۰۰۱$  تایید می‌شود. جزئیات نتایج به دست آمده در جدول شماره ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸: آزمون  $t$  مستقل در تفاوت میانگین متغیرهای مورد مطالعه بر حسب مناطق مرزی خاکی/آبی

نام شاخص	فرض	F	سطح معناداری	t	سطح معناداری
نسبت باسوادی	با فرض برابری واریانس‌ها	۴۷۶۶۸	۰/۰۰۰	-۱۰۸۹/۲	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها				
تحصیلات عالی	با فرض برابری واریانس‌ها	۱۳۵۱/۸	۰/۰۰۰	-۵۹۳/۱	۰/۰۰۰
	با فرض عدم برابری واریانس‌ها				

تحلیل تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی مناطق مرزی و غیرمرزی ایران

سطح معناداری	t	سطح معناداری	F	فرض	نام شاخص
۰/۰۰۰	۷۹۱/۴	۰/۰۰۰	۱۹۷۷۱۱/۸	با فرض برابری واریانس‌ها	درصد بیکاری
۰/۰۰۰	۹۰۸/۳			با فرض عدم برابری واریانس‌ها	
۰/۰۰۰	۵۶۹	۰/۰۰۰	۱۰۷۰۵۷/۸	با فرض برابری واریانس‌ها	درصد بیکاری افراد ۱۵ تا ۳۵ ساله
۰/۰۰۰	۶۰۷/۶			با فرض عدم برابری واریانس‌ها	
۰/۰۰۰	۲۹۹/۷	۰/۰۰۰	۳۰۰۱۱/۹	با فرض برابری واریانس‌ها	نسبت شهرنشینی
۰/۰۰۰	۳۱۰/۸			با فرض عدم برابری واریانس‌ها	
۰/۰۰۰	-۴۱۹/۹	۰/۰۰۰	۲۴۰۰۷۸/۲	با فرض برابری واریانس‌ها	میانگین سنی
۰/۰۰۰	-۴۱۴/۳			با فرض عدم برابری واریانس‌ها	
۰/۰۰۰	-۱۳۲۱	۰/۰۰۰	۲۳۵۲۲/۱	با فرض برابری واریانس‌ها	میزان خالص مهاجرت
۰/۰۰۰	-۱۲۳۱/۸			با فرض عدم برابری واریانس‌ها	
۰/۰۰۰	۹۶/۵	۰/۰۰۰	۴۴۷۷۹۵/۱	با فرض برابری واریانس‌ها	سرانه کلاس
۰/۰۰۰	۱۰۸			با فرض عدم برابری واریانس‌ها	
۰/۰۰۰	۵۸۵/۷	۰/۰۰۰	۹۱۷۱۷۴/۶	با فرض برابری واریانس‌ها	سرانه آموزشگاه
۰/۰۰۰	۷۰۱/۵			با فرض عدم برابری واریانس‌ها	

## بحث و نتیجه گیری

در این مطالعه تلاش شده است با استفاده از مجموعه‌ای از شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی و جمعیتی به تفاوت بین مناطق مرزی و غیرمرزی پرداخته شود. با توجه به پهنه گسترده برخی از استان‌های کشور و وجود شهرستان‌هایی با موقعیت جغرافیایی مختلف، بررسی تفاوت مناطق مرزی و غیرمرزی با تاکید بر دو سطح استانی و شهرستانی انجام گرفته است. از سویی با توجه به تفاوت نوع مرزهای هر منطقه اعم از آبی و خاکی، و تفاوت اقلیمی و اقتصادی هر یک از این دو نوع، شهرستان‌های مرزی بر حسب هر دو نوع مرز نیز مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.

بر اساس نتایج، از لحاظ متغیرهای جمعیتی-اجتماعی مشتمل بر وضع سواد و سطح تحصیلات بین مناطق مرزی و غیر مرزی تفاوت معنی داری وجود دارد. این تفاوت هم در سطح استانی و هم شهرستانی به لحاظ آماری تایید شده است. براین اساس استان‌ها و شهرستان‌های مرزی از نسبت باسوادی کمتری برخوردارند و نیز نسبت افراد دارای تحصیلات عالی نیز در این مناطق کمتر از استان و شهرستان‌های غیرمرزی است. یافته‌های مطالعه حاضر با نتایج تحقیقات آهنچیان (۱۳۸۶)، فیروزآبادی و همکاران (۱۳۹۹) و دانش مهر و هدایت (۱۴۰۰) مبنی بر وجود نابرابری در برخورداری از امکانات آموزشی در مناطق مرزی و غیرمرزی، مطابقت دارد. تزریق منابع اضافی آموزشی به مدارس مناطق مرزی که دچار محرومیت هستند به ایجاد شرایط برابر بر اساس شاخص‌های ظاهری یک محیط آموزشی کمک می‌کند (آهنچیان، ۱۳۸۶). ماهیت توسعه‌نیافتگی و موقعیت مرزنشینی، موجب به حاشیه رفتن آموزش در این مناطق شده است. به دلیل هژمونی اقتصاد، بی‌ارزشی تحصیلات و ترک تحصیل در جوانان مناطق مرزی به وجود آمده است که این امر مایه تفاوت سطح تحصیلات در مناطق مرزی و غیر مرزی شده است (دانش مهر و هدایت، ۱۴۰۰؛ فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۹). درکنار تفاوت در سطح سواد و تحصیلات، نتایج نشان داد که درصد بیکاری به ویژه بیکاری جوانان در مناطق مرزی بیشتر از غیرمرزی است. استان‌های کرمانشاه، خوزستان، ایلام دارای بالاترین درصد بیکاری در کشور هستند درحالیکه تهران، قم، مرکزی، سمنان، اصفهان، یزد دارای پایین‌ترین رقم درصد بیکاری هستند. در نتیجه اقتصاد سیاسی حاکم بر کشور و بهره‌مندی استان‌های مرکزی به‌ویژه تهران از مزیت بزرگ اداری - سیاسی، تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و تجاری در حاشیه و اطراف این مناطق نیز گسترش یافته است. تاثیر این تحولات به تغییر سیمای سنتی تهران و چند استان مرکزی بزرگ محدود مانده و موجب تمرکز امکانات و منابع و پتانسیل‌های انسانی در استان‌های مرکزی شده است. حاکمیت این جریان

موجب توسعه نیافتگی و عدم رشد استان‌های دیگر شده است و به نابرابری‌های عمیق منطقه‌ای دامن زده است (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

در کنار تفاوت و در واقع نابرابری‌های اجتماعی بین دو منطقه مرزی و غیرمرزی در کشور، ویژگی‌های جمعیتی مانند نسبت شهرنشینی، میزان مهاجرت و حتی میانگین سنی نیز تفاوت‌های بارز و آشکاری را در بین دو منطقه مذکور نشان می‌دهد. کمبود فرصت‌های شغلی، ضعف و عدم دسترسی به امکانات آموزشی، تمرکز منابع و تسهیلات در استان و مناطق مرکزی موجب جریان‌های مهاجرتی از سوی مناطق مرزی به سمت مناطق مرکزی شده است؛ یافته‌هایی که با مطالعات شهبازین و همکاران (۱۳۹۶)، عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۹۵) و صادقی و شکرانی (۱۳۹۷) مطابقت دارد. درصد بیکاری منطقه‌ای و نابرابری فضایی توسعه، دو بستر مهم مهاجرت‌های داخلی در ایران هستند (صادقی، ۱۴۰۱). عدم توسعه برابر و موزون در کشور خود عاملی است که موجب مهاجرت از سمت مناطق کمتر توسعه‌یافته به سمت مناطق توسعه‌یافته‌تر می‌شود و با توجه به اینکه استان‌های مرکزی توسعه یافته‌تر هستند، مناطق مرزی معمولاً دارای خالص مهاجرتی منفی هستند (باسوری، ۱۳۸۸؛ شهبازین و همکاران، ۱۳۹۶). این روند از توسعه و مهاجرت، به دورانی تبدیل شده که موجب تشدید یکدیگر می‌شوند. توسعه نامتوازن موجب افزایش مهاجرت در مناطق مرزی شده است از سویی مهاجرت افراد که عمدتاً جمعیت جوان هستند موجب از دست رفتن نیروی انسانی در سن فعالیت و ماهر شده است که خود این امر مایه تضعیف و کندشدن روند توسعه می‌شود (شهبازین، ۱۴۰۰).

با عنایت به نتایج تحقیق، کاهش نابرابری‌ها و چالش‌های مناطق مرزی و بدنیال آن نیل به توسعه متوازن همه مناطق کشور در ابتدا نیازمند اعمال مدیریت خاص منطقه‌ای (مرزی) است زیرا که بخش قابل توجهی از جمعیت به ویژه جمعیت جوان در این مناطق سکونت دارند. علاوه بر این، توسعه زیرساخت‌های منطقه‌ای مانند جاده‌ها، حمل و نقل، راه آهن و ... می‌تواند به جهت افزایش پیوندهای مناطق مرزی با غیر مرزی کمک نماید و در نتیجه به کاهش فاصله مناطق مرزی و مرکزی منجر شود. توجه به توان زیست محیطی و اقتصادی-اجتماعی مناطق در تخصیص منابع و بودجه‌های عمرانی، ایجاد بنگاه‌های اقتصادی پایدار جهت ایجاد فرصت‌های شغلی به منظور جلوگیری از مهاجرت، اهتمام به مرکززدایی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مرزی، اعطای معافیت‌های مالیاتی و ارائه بسته‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاران این مناطق و فرهنگ‌سازی در زمینه ایجاد ذهنیت واقعی در رابطه با امنیت اجتماعی و اقتصادی در مناطق مرزی در جهت از بین بردن ذهنیت ناامنی در مرزهای کشور از مواردی است که می‌تواند زمینه را در جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای فراهم نماید.

## منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ موسوی، میرنجف و کاظمی‌زاد، شمس‌اله (۱۳۹۱). "تحلیل فضایی نابرابریهای منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران". فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۸(۱)، ۲۱۴-۲۳۵.
- ابراهیمی‌مستکانی، عابد و احمدوند، مصطفی (۱۳۹۴). "ارزیابی تأثیرات اجتماعی-اقتصادی بازارچه مرزی سرو بر توسعه مناطق روستایی پیرامون". پژوهش‌های روستایی، ۲۶(۲)، ۳۶۹-۳۸۸.
- احمدی، مرضیه؛ فلاحتی، علی و دل‌انگیزان، سهراب (۱۳۹۹). "بررسی پویای انتقال نابرابری منطقه‌ای در ایران (مطالعه موردی: استان‌های ایران)". فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، ۱۷(۱)، ۸۵-۱۱۹.
- آهنچیان، محمدرضا (۱۳۸۶). "فرصت‌های آموزشی و نابرابری‌های منطقه‌ای در مدارس مناطق مرزی و غیرمرزی استان خراسان رضوی". مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۴(۳)، ۲۷-۴۴.
- بهشتی، محمد باقر؛ محمدزاده، پرویز و جمشیدی، عذرا (۱۳۹۷). "بررسی نابرابری‌های توزیع درآمد میان استان‌های ایران با استفاده از رویکرد تحلیل اکتشافی داده‌های فضایی". فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۶(۸۵)، ۱۵۰-۱۰۹.
- پورطاهری، مهدی و رومینا، ابراهیم (۱۴۰۰). "تحلیلی بر تفاوت‌های فضایی الگوی سکونت و فعالیت در مناطق مرزی و غیرمرزی ایران". نشریه جغرافیا و توسعه، ۱۹(۶۳)، ۱۷۵-۱۹۸.
- دانش مهر، حسین و هدایت، عثمان (۱۳۹۹). "مرزنشینی و به حاشیه‌راندگی امر آموزش: اتنوگرافی نهادی وضعیت آموزش و پرورش در مناطق مرزی استان کردستان". دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، ۱۲(۲)، ۱۱۵-۱۳۶.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله (۱۳۹۷). "ارزیابی توسعه پایدار شهری شهرستان‌های مرزی کشور". مجله مطالعات جمعیتی، ۴(۲)، ۱۸۰-۱۳۵.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله (۱۳۹۸). تحلیل وضعیت توسعه پایدار روستایی-شهری شهرستان‌های مرزی کشور. تهران: موسسه تحقیقات جمعیت کشور.
- شهبازین، سعیده (۱۴۰۰). بررسی نقش مهاجرت در نرخ رشد جمعیت استان‌های کشور. تهران: موسسه تحقیقات جمعیت کشور.
- شهبازین، سعیده؛ عباسی‌شوازی، محمدجلال و عسکری‌ندوشن، عباس (۱۳۹۶). "تغییرات الگوهای سکونتی ایران با تأکید بر مهاجرت داخلی طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۷۰". دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، ۳(۲)، ۱۸۳-۱۵۳.
- شیخ بیگلر، رعنا؛ تقوایی، مسعود و وارثی، حمیدرضا (۱۳۹۱). "تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران". فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۶)، ۲۱۴-۱۸۹.
- صادقی، رسول و شکرانی، محسن (۱۳۹۵). "تحلیل نوسانات فضایی تأثیر توسعه بر مهاجرت داخلی بین شهرستانی در ایران". مجله توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۸(۲)، ۲۷۰-۲۴۵.

- عسکری ندوشن، عباس؛ لشکری، احسان و فرامرزیان، سمیه (۱۳۹۵). "رابطه شاخص‌های توسعه و مهاجرپذیری شهرستان‌های ایران"، *فصلنامه تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری*، ۱۸(۱)، ۱۵۲-۱۲۷.
- عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۸۸). "توسعه و امنیت در امايش مناطق مرزی ایران"، *مجله باغ نظر*، ۱۲(۶)، ۷۶-۵۷.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰). *نظریه پایه و اصول آمایش سرزمین مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دوره عالی جنگ.
- فتح‌اللهی، جمال؛ کفیلی، وحید و تقی زادگان، علی رضا (۱۳۹۶). "شکاف توسعه استان‌های ایران". *پژوهش‌های اقتصاد توسعه و برنامه ریزی*. ۱۱۸-۹۹.
- فیروزآبادی، سیداحمد؛ راغفر، حسین و احمدی، هیوا (۱۳۹۹). "سیاست‌های تجارت مرزی و نقش آن در زندگی تحصیلی جوانان مرزنشین". *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰(۲)، ۵۴-۲۹.
- لطفی، صدیقه؛ شهابی شه‌میری، مجتبی و روشناس، ساسان (۱۳۹۴). "بررسی ارتباط بین ساختار فضایی و نابرابری‌های منطقه‌ای در استان‌های کشور". *مطالعات جغرافیای مناطق خشک*، ۶(۲۱)، ۲۹-۱۵.
- مشفق، محمود؛ حسینی، قربان؛ خانی، سعید و قهرمانی، علیرضا (۱۳۹۴). "مقایسه ویژگی‌های جمعیتی مناطق مرزی و غیرمرزی و تبعات امنیتی آن". *پژوهشنامه مطالعات مرزی*، ۳(۲)، ۲۳-۱.
- مصیب زاده، علی؛ مظفری نیا، اسماء و شبستر، محسن (۱۴۰۰). "تحلیلی بر نابرابری‌های فضایی و سنجش وضعیت توسعه منطقه‌ای در استان‌های ایران". *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۱۰(۴۰)، ۸۴-۷۱.
- نظم فر، حسین؛ محمدی حمیدی، سمیه و اکبری، مجید (۱۳۹۷). "بررسی نابرابری‌های توسعه در استان‌های کشور در راستای تحقق توسعه پایدار". *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۲۵(۹۴)، ۳۳۹-۲۹۷.
- یاسوری، مجید (۱۳۸۸). "بررسی وضعیت نابرابری منطقه‌ای در استان خراسان رضوی". *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۷(۱۲)، ۲۲۳-۲۰۱.

- Andelković-Stoilković, M., M. Devedzic & G. Vojković (2018). "The border regions of Serbia: Peripheral or marginal areas, Trames". *Journal of the Humanities and Social Sciences*, 22, 211.
- Gezici, F. & G.J.D. Hewings (2007). "Spatial Analysis of Regional Inequalities in Turkey". *European Planning Studies*. 15(3), 383-403.
- Gräß, J. & M. Grimm (2008). *Spatial Inequalities Explained- Evidence from Burkina Faso*. Discussion Papers of DIW Berlin 843, DIW Berlin, German Institute for Economic Research.
- Hippe, S., D. Bertram & T. Chilla (2024). "Convergence and resilience in border regions", *European Planning Studies*, 32(1), 186-207.
- Kanbur, R. & A. J. Venables (2005). *Rising Spatial Disparities and Development*. UNU Policy Brief 2005/003. Helsinki: UNU-WIDER.
- Khmeleva, G. A. V. K. Semenychev, A. A. Korobetskaya, M. V. Kurnikova, R. Fedorenko & B. I. Tóth (2023). "Comparative Research of Internal and Border Regions: Analyzing the

- Differences in the Cyclical Dynamics of Industries for Industrial Policy and Territorial Development”, *Economies*, 11 (3), 89.
- Mitrica, B., I. Mocanu & M. Dumitrascu (2017). “Socio-Economic Disparities in the Development of the Romania’s Border Areas”, *Social Indicators Research*, 134, 899–916.
- Niebuhr, A. & S. Stiller (2002). *Integration Effects in Border regions: A survey of Economic Theory and Empirical Studies*, HWWA Discussion Paper, Hamburg Institute of International Economics.
- Nijkamp, P. (2021). “Borders as opportunities in the space-economy: towards a theory of enabling space”, *Asia-Pacific Journal of Regional Science*, 5, 223–239.
- Pawlewicz, K., A. Senetra, M. Gwiaździńska-Goraj & D. Krupickaitė (2020). “Differences in the Environmental, Social and Economic Development of Polish–Lithuanian Trans-Border Regions”. *Soc Indic Res*, 147, 1015–1038 .
- Prokkola, E. (2019). “Border-regional resilience in EU internal and external border areas in Finland”, *European Planning Studies*, 27, 1-20.
- Svobodová, J., L. Dömeová & A. Jindrová (2018). “Economic Differences of Border Regions in the Czech Republic”, *Acta Universitatis Agriculturae et Silviculturae Mendelianae Brunensis*, 66(2), 571-582.
- Van Houtum, H. (2000). “An Overview of European Geographical Research on Border Region”, *Journal of Borderlands Studies*, 15(1), 56-83.
- Yuan, Y. & F. Wu (2013). “Regional Social Inequalities and Social Deprivation in Guangdong Province, China”, *Growth Change*, 44, 149-167.
- Yusupov, K.N., V.M. Timiryanova, D. V. Popov & V. Trofimova (2019). “Evaluating the impact of border in managing a municipal unit by using hierarchical analysis method”s, *Revista Espacios*, 40(20). <https://www.revistaespacios.com/a19v40n20/a19v40n20p27.pdf>
- Zhang P, Yuan H, Tian X, (2019). “Sustainable development in China: Trends, patterns, and determinants of the “Five Modernizations” in Chinese cities”, *Journal of Cleaner Producti*: 214, 685-695.